

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلافت مریخی

(وقتی زمینی‌ها مریخی می‌شوند)

محمود رضا میرزایی

www.ketab.ir

سرشناسه : میرزایی، محمودرضا
عنوان و نام پدیدآور: خلاقیت مریخی / محمودرضا میرزایی.
مشخصات نشر : مشهد: مرندیز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.: مصور.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۱۱۷-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت : کتابنامه .
موضوع : خلاقیت
رده بندی کنگره : BF۴۰۸/۴۸۴۶ خ ۸ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۱۵۲/۳۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۵۹۳۲۳



نشر مرندیز

خلاقیت مریخی

نویسنده: محمودرضا میرزایی

طراح جلد و تصاویر داخلی: شکوفه میرزایی
چاپ: خوشه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶-۱۱۷-۲

مشهد- خ/بکوه ۹ - مجد ۱۳ - پ ۹۰ - تلفکس: ۰۵۱۱-۷۲۷۴۷۶۵
مرکز بخش: تهران: بخش پارسیان
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۴۱۶۴

نشانی سایت اینترنتی: www.marandiz.com

مقدمه

قبل از هر چیز لازم است بدانید ممکن است صحبت‌هایی که می‌خوانید برایتان باورکردنی نباشد اما به شما توصیه می‌شود در طی خواندن این کتاب همیشه به خاطر داشته باشید که با موجودات مریخی سر و کار دارید و این موجودات رفتار عجیب و غریب فراوان دارند.

یادم می‌آید در جلسه‌ای مربوط به خلاقیت وقتی بحث به موانع بروز خلاقیت رسید جوانی موقر و با شخصیت اجازه خواست تا صحبت کند. حرف‌ها و صحبت‌هایش به دل می‌نشست و توجه حضار را به خود جلب کرده بود. معلوم بود که در این رابطه مطالعات زیادی داشته و به صحبت‌هایش ایمان دارد؛ بسیار مایل بودم تا با او بیش‌تر آشنا شوم و دو روز بعد این موقعیت پیش آمد. ما در پارک کنار هم نشسته بودیم و از گذشته و حال و آینده صحبت کردیم و در آنجا متوجه شدم که هم صحبت من مریخی است.

وقتی او سرگذشت خود را برایم شرح می‌داد هر لحظه بر میزان تعجب من افزوده می‌گشت، در پایان از او اجازه خواستم که آن را برای دیگران هم تعریف کنم و او با خونسردی گفت که تمام هدفش از آشنایی با من همین بوده تا داستانش را به گوش دیگران برساند. او اعتقاد داشت که هر کس مریخی رفتار کند، همین رفتارشان مانعی بزرگ برای رسیدن به خلاقیت است. مریخی‌ها به علت زندگی مریخی‌شان نمی‌توانند افرادی خلاق باشند و

زمینی‌ها هم اگر همین‌گونه رفتار کنند عاقبتی جز عاقبت مریخی‌ها نخواهند داشت.

او همچنین گفت که در زمین مریخی‌های زیادی هستند که همانند زمینی‌ها زندگی می‌کنند و حالا برای خود هویتی زمینی دارند و اگر با آن‌ها درباره‌ی گذشته‌ی مریخی‌شان صحبت کنی زیاد راضی نیستند، البته برخی از همین‌ها هنوز رگه‌هایی از مریخی بودن را دارند و در ظاهر وانمود می‌کنند که زمینی هستند. مریخی‌هایی که در مریخ هستند اصلاً از این موضوع خوششان نمی‌آید و بیش‌تر دوست دارند که همچنان مریخی بمانند.

او می‌گوید که هرچند مریخی‌ها از آدم‌های زمینی خوششان نمی‌آید ولی به ناچار مجبورند در بسیاری از قسمت‌های زندگی شان آن‌ها را تحمل کرده و به نوعی با آن‌ها کنار بیایند.

از قول مریخی‌ها، زمینی‌ها موجوداتی دردسرساز و آب‌زیر‌کاه هستند و باید خیلی مواظب باشند تا مبادا به وسیله‌ی این موجودات فریب بخورند و کلاه سرشان برود و همین تفکر باعث شده که مریخی‌ها همیشه چند قدم عقب‌تر از بقیه حرکت کنند و با احتیاط و وسواسی خاص به دور و بر خود نگاه کنند و به همین دلیل آن‌ها همیشه اخلاق و رفتاری را تجربه می‌کنند که منجر به ازبین رفتن خلاقیت و نوآوری در مریخ می‌شود.

اما اگر خوب در مریخ بگردیم و سراغی از خلاقیت بگیریم، هر چند مشکل می‌توان آن را یافت ولی بی‌انصافی است اگر بگوییم اصلاً خلاقیتی در آنجا نیست. نشانه‌های کوچکی از خلاقیت در مریخ وجود دارد و از همه مهم‌تر آنچه را که من خلاقیت مریخی می‌نامم «خلاقیتی است که مریخی‌ها از خود نشان می‌دهند تا ریشه‌ی هرچه خلاقیت است را بخشکانند».

از او پرسیدم که چگونه می‌توان مریخی‌ها را از زمینی‌ها تشخیص داد؟ و او پاسخ داد که لزومی ندارد به دنبال شناسایی آن‌ها باشید، به هر حال آن‌ها کنار شما و با شما زندگی می‌کنند؛ چه بخواهید و چه نخواهید

هر چند او معتقد بود مریخی‌های سیاره‌ی او برخلاف هر موجودی که تاکنون شناخته شده‌اند، رفتار می‌کنند، حرف می‌زنند و زندگی می‌کنند، پس این موجودات را منحصر بفرد قلمداد کرده و نباید در صدد مقایسه‌ی آن‌ها با سایر موجودات برآییم.

در سرگذشت او ما با موجودات دیگری هم آشنا می‌شویم، موجوداتی دوست داشتنی از سیاره‌ی کوچک که تازه به استقلال رسیده و دیری نگذشته است که از زیر سلطه‌ی زمینی‌ها خلاص شده‌اند، آن‌ها با اینکه در کهکشان از جمله موجوداتی هستند که بسیار کم عمر می‌کنند ولی در همین عمر کم خود آنچنان رفتار می‌کنند که حداکثر استفاده را در راه خوشبختی و خوب زندگی کردن داشته باشند؛ از دورنگی و تزئیر و دروغ‌گریزان هستند و سعادت دیگران را سعادت خود می‌دانند. یکی از آن‌ها می‌گفت: برای اینکه ما بتوانیم خودمان را وقف خدمت به دیگران بکنیم، مجهز شدن به دانش و مهارت‌های مدیریت و اداره‌ی سیاره و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی آن ضروری است.

آن‌ها می‌گویند همه‌ی ما قدرت انجام کار و قدرت تفکر را داریم درست به همان اندازه که دیگران دارند، ما قادر به انجام کارهایی هستیم که دیگران قادر به انجام آنند، لذا می‌توانیم زندگی افتخار آمیز و شرافتمندانه و به دور از ظلم به دیگران و در سایه‌ی صلح و صفا و دوستی داشته باشیم.

یکی از آن‌ها می‌گفت: در سیاره‌ی کوچک من همه به هرچه می‌اندیشند، اندیشه‌شان به طور شفاف دیده می‌شود، همه‌ی ما همچون آینه هستیم و

وقتی روبروی هم می‌ایستیم خودمان را در همدیگر می‌بینیم؛ پس همه یکی هستیم، دیگر دروغ و نیرنگ معنی ندارد.

یکی دیگر از آن‌ها می‌گفت: در سیاره‌ی کوچک من وقتی دوستانم آواز می‌خوانند و شادی می‌کنند از دهانشان گل می‌ریزد و این گل‌ها رو به آسمان پرواز می‌کنند تا همه‌جا را شادی پر کند. در فضای شاد می‌توان امید را جستجو کرد؛ در دنیای شاد محبت‌ها شکوفا می‌شود و نوع دوستی حرف اول را می‌زند. ما با هم و به کمک هم راه سعادت و خوشبختی را پیش می‌گیریم و تا جایی می‌رویم که زمین به آسمان رسیده باشد.

می‌گفتند که در سیاره‌ی ما هرکس حریم خود را با عطری که به اطراف می‌پراکند مشخص می‌کند و هیچ کس بدون اجازه پا به حریم دیگری نمی‌گذارد.

اما در همین سرگذشت شما همچنین با موجودات نیمه‌ی تاریک ماه آشنا می‌شوید؛ موجوداتی که در این نیمه از ماه زندگی می‌کنند در تاریکی و ظلمات به سر برده و بسیار سخت روزگار را می‌گذرانند، شرایط آنجا آن‌ها را موجوداتی گوشه‌گیر و خجالتی بار آورده و تلاشی برای بهتر زندگی کردن از خود نشان نمی‌دهند، از اینکه می‌توانند مانند دیگران باشند و مانند دیگران زندگی کنند و یا برای خود خط مشی داشته باشند هیچ تصور درستی ندارند، سختی روزگار کار را به آنجا می‌رساند که برای خلاصی از آن به مریخ و یا زمین کوچ می‌کنند. آن‌ها راضی هستند هرگونه سختی و ملالت و سرزنش را تحمل کنند ولی به نیمه‌ی تاریک ماه برنگردند.

وقتی با آن‌ها صحبت می‌کردی یک وحشت درونی را می‌توانستی در چهره‌ی کبودشان تشخیص دهی، آن‌ها همیشه اظهار می‌کردند که

شکست خورده هستند و احساس خوبی از محیط اطراف خود نداشتند. تصورات غلط از اینکه همیشه بدبخت هستند و از وضع بد خود شکایت داشته باشند و هیچگاه دیگران راضی به هم‌نشینی با آن‌ها نیستند باعث شده بود تا این موجودات به موجوداتی بدبین و کوتاه‌نظر تبدیل شوند.

زمینی‌ها می‌گویند کسانی که اسیر چنین افکاری هستند، در میان بدبینی عمیق و ناکامی زندگی می‌کنند و عینک سیاهی که به چشم دارند پیوسته اطراف را در نظرشان تیره نشان می‌دهد.

بدبینان هر کجا قدم گذارند محیط غم و اندوه می‌آفرینند و چون همیشه از بدشانسی خودشان حرف می‌زنند کسی به هم‌صحبتی با آن‌ها تمایل ندارد.

اورانوس سیاره‌ای سرد و خشک و بی روح با ساکنانی با همین ویژگی نیز از جمله سیاراتی است که در این سرگذشت از آن یاد می‌شود، ساکنان اورانوس بسیار مقرراتی هستند و مانند یک ماشین، اتوماتیک‌وار کارهای معمول خود را انجام می‌دهند.

آن‌ها هیچگاه نمی‌خواهند درباره‌ی مطلبی اظهار نظر کنند و یا عقیده‌ی خود را بیان نمایند و اصولاً از اینکه با دیگران معاشرت داشته باشند لذت نمی‌برند. اما خواهید دید که ویژگی مهم اورانوسی‌ها دقیق بودن آن‌ها در انجام کارهایشان است..